

Submit Date: 30 July 2025
Revise Date: 23 December 2025
Accept Date: 30 December 2025
Initial Publish: 05 January 2026
Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Non-Pecuniary Rights of the Orphan and Social Responsibility: Anthropological Foundations in the Qur'an and Their Reflection in Iraqi Law

Noor Mohsin Hadi¹, Abolfath Azizi^{*2}, Ghassan Obaid Mohammed Al-Mamoori³, Mojtaba Bahramipour⁴

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Abar.C., Islamic Azad University, Abarkooh, Iran
3. Professor, Department of Law, Faculty of Law, University of Karbala, Karbala, Iraq
4. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

* Corresponding Author's Email: Abolfath.azizi@iau.ac.ir

ABSTRACT

This article, adopting a descriptive–analytical and comparative approach, examines the non-pecuniary rights of the orphan in the Qur'an with particular emphasis on such concepts as dignity, honor, the prohibition of coercion and exclusion, and the rights to upbringing, education, and physical and mental health. These principles are then linked to jurisprudential doctrines including the Rule of Benevolence (Qā'idat al-Luṭf) and the Rule of Prohibition of Harm (Qā'idat Ḥurmat al-Iḍrār), as well as to the logic of practical reason. Subsequently, the article analyzes the reflection of these principles in Iraqi legislation and public policies, particularly after 2003, including the Child Law (2020), Order No. 2005 (Article 30), Articles 146–148 of the Personal Status Law (1959), and the related protective and punitive mechanisms. The findings indicate that despite the existence of a legal foundation for non-pecuniary protection—such as free education, supportive services, and the possibility of judicial intervention—the realization of Qur'anic objectives faces significant challenges, including unequal access, the absence of standardized indicators for “non-pecuniary development,” inter-institutional incoherence, and insufficient mental health services. The article proposes a “multi-layered operational framework” emphasizing the formulation of harm-screening protocols, standards of care (family-based/alternative), parenting education, mental-health services for guardians and families, and an integrated case-management and reporting system. Ultimately, a fuller alignment of Iraqi laws and practices with the spirit of Qur'anic verses requires systematic standardization, specialized capacity building, and the establishment of data-driven accountability mechanisms.

Keywords: Orphan; non-pecuniary rights; upbringing and affection; human dignity; social responsibility; protective policymaking.

How to cite: Mohsin Hadi, N., Azizi, A., Al-Mamoori, G. O. M., & Bahramipour, M. (2026). The Non-Pecuniary Rights of the Orphan and Social Responsibility: Anthropological Foundations in the Qur'an and Their Reflection in Iraqi Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(4), 1-12.



تاریخ ارسال: ۸ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۲ دی ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۹ دی ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ دی ۱۴۰۴
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

حقوق غیرمالی یتیم و مسئولیت اجتماعی: مبانی انسان‌شناختی قرآن و بازتاب آن در قوانین عراق

نور محسن هادی^۱، ابوالفتح عزیزی^۲، غسان عبید محمد المعموری^۳، مجتبی بهرامی پور^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران

۳. پروفسور، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه کربلا، کربلا، عراق

۴. دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Abolfath.azizi@iau.ac.ir

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، حقوق غیرمالی یتیم در قرآن را با تمرکز بر مفاهیمی چون کرامت، اکرام، منع قهر و طرد، حق تربیت، آموزش و سلامت جسم و روان بررسی می‌کند و این اصول را با قواعد فقهی همچون «قاعده لطف» و «قاعده حرمت اضرار» و منطق عقل عملی مرتبط می‌سازد. سپس بازتاب این اصول در قوانین و سیاست‌های عمومی عراق، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳، مورد تحلیل قرار می‌گیرد، از جمله قانون الأطفال (۲۰۲۰)، دستور ۲۰۰۵ (ماده ۳۰)، مواد ۱۴۶-۱۴۸ قانون الأحوال الشخصية (۱۹۵۹) و سازوکارهای حمایتی-کیفری مربوطه. یافته‌ها نشان می‌دهند که باوجود وجود بنیان قانونی برای حمایت غیرمالی (از جمله آموزش رایگان، خدمات حمایتی و امکان مداخله قضائی)، تحقق اهداف قرآنی با چالش‌هایی چون ناهمگونی دسترسی، عدم وجود شاخص‌های استاندارد برای «رشد غیرمالی»، ناهم‌آهنگی بین‌نهادی و کمبود خدمات سلامت روان مواجه است. مقاله یک «چارچوب اجرایی چندلایه» پیشنهاد می‌دهد که بر تدوین پروتکل‌های غربالگری آسیب، استانداردهای مراقبت (خانگی/جایگزین)، آموزش والدگری، سلامت روان برای قیّم/خانواده و سیستم یکپارچه پرونده و گزارش‌دهی تأکید دارد. در نهایت، هم‌راستاسازی کامل‌تر قوانین و رویه‌های عراق با روح آیات قرآنی نیازمند استانداردسازی، ظرفیت‌سازی تخصصی و ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی داده‌محور است.

کلیدواژگان: یتیم؛ حقوق غیرمالی؛ تربیت و عاطفه؛ کرامت انسانی؛ مسئولیت اجتماعی؛ سیاست‌گذاری حمایتی.

نحوه استناددهی: محسن هادی، نور، عزیزی، ابوالفتح، المعموری، غسان عبید محمد، و بهرامی پور، مجتبی. (۱۴۰۵). حقوق غیرمالی یتیم و مسئولیت اجتماعی: مبانی انسان‌شناختی قرآن و بازتاب آن در قوانین عراق. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۴)، ۱-۱۲.

و ارجاع سریع، سامانه یکپارچه پرونده و گزارش‌دهی، و نظارت دوره‌ای مبتنی بر شاخص تا بازدارندگی اخلاقی متن دینی با پاسخ‌گویی حقوقی و اداری پیوند بخورد و «رشد» از مهارت‌های صرفاً مالی فراتر رفته و به صلاحیت چندبُعدی عاطفی، تربیتی و روانی ارتقا یابد.

چارچوب مفهومی و مبانی انسان‌شناختی

تعریف یتیم و قلمرو حمایتی

«یتیم» در اصل لغت به معنای «منفرد و تنها» است و جمع آن «أیتام/یتامی» می‌آید؛ این اطلاق در عربی حتی به قبیله منزوی و اسب کُندرو نیز سرایت دارد. در کاربرد عرفی عربی، یتیم غالباً کودک بی‌پدر است (Ibn Manzur, 1994) و در فارسی نیز به کودکی گفته می‌شود که یکی از والدین یا هر دو را در خردسالی از دست داده باشد. از منظر فقهی، هرچند «یتیم» بنابر وضع لغوی می‌تواند شامل کبیر نیز بشود، در عرف شرعی به «طفل» اختصاص یافته است (Najafi, 1984). در اصطلاح تفسیری قرآن نیز یتیم به کسی اطلاق می‌شود که «پدر» را در کودکی از دست داده است، نه صرفاً مادر (Tabataba'i, 2011). بر این پایه، تعریف جامع چنین است: یتیم = کودک فاقد پدر تا پیش از بلوغ؛ با این توضیح که در عرف فارسی گاه به فقدان هر یک از والدین نیز اطلاق می‌شود (Ibn Manzur, 1994).

شأن انسانی و کرامت

محور هنجاری قرآن، کرامت ذاتی انسان است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). بر این مبنا، یتیم موضوع دلسوزی صرف نیست، بلکه «ذی‌حق» است؛ قرآن هم‌زمان «نهی از قهر و تحقیر» را اعلام می‌کند. «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» (ضحی/۹) و «كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ» (فجر/۱۷) و «وَجُوبِ أَكْرَامِ وَأَصْلَاحِ» را به‌مثابه تکلیف اجتماعی پیش می‌نهد. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ» (بقره/۲۲۰)؛ همچنین معیار «الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» در هرگونه تصرف و تدبیر را مقرر می‌سازد (انعام/۱۵۲) و با «وَابْتَئُوا الْيَتَامَى...» بر

حمایت از یتیمان در منظومه اسلامی، صرفاً به صیانت از اموال محدود نمی‌شود و بخش مهمی از تکلیف دینی و مسئولیت اجتماعی، معطوف به کرامت انسانی، امنیت روانی، تربیت، پیوندهای عاطفی و مصونیت از آزار و تبعیض است؛ آیاتی چون «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» و نقد بی‌اعتنایی به یتیم، افق حمایتی چندبُعدی می‌گشایند که در آن اکرام و مراقبت، تکالیف مثبت جامعه و حاکمیت‌اند. در عراق امروز نظامی متأثر از شریعت و حقوق مدرن اگرچه بسترهای قانونی مالی و برخی حمایت‌های اجتماعی پس از ۲۰۰۳ تقویت شده است، ترجمان عملی حقوق غیرمالی یتیم (استانداردهای تربیت و پیوند عاطفی، غربالگری و پیگیری سلامت روان کودک، منع انگ‌زنی و تبعیض در مدرسه و محله، و سازوکار گزارش و مداخله فوری) هنوز یک‌دست و شاخص‌مند نیست و همین امر، حمایت‌ها را به سمت «مالی‌محوری» سوق داده و یتیم را بیشتر به‌صورت «ذی‌نفع مستمری» نشانده تا «صاحب حق رشد همه‌جانبه». مقاله حاضر با تمرکز صرف بر حقوق غیرمالی، می‌کوشد میزان همسویی قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی عراق را با الگوی هنجاری قرآن ارزیابی و شکاف‌های استانداردگذاری، نظارت و ضمانت‌اجرا را شناسایی کند و برای پرکردن آنها پیشنهادهای عملیاتی ارائه دهد. روش کار، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است: ابتدا گزاره‌های قرآنی مرتبط با اکرام و منع قهر و وانهادگی استقراء و صورت‌بندی می‌شود، سپس با مبانی فقهی «قاعده لطف» و «قاعده حرمت اضرار» سنجیده و در ادامه با مواد قانونی و سیاست‌های پس از ۲۰۰۳ در حوزه‌های کودک، آموزش، سلامت و حمایت اجتماعی مقابله می‌گردد. نوآوری متن در این است که به‌جای توقف در سطح هنجار، مجموعه‌ای از سازوکارهای اجرایی سنجش‌پذیر پیشنهاد می‌کند از جمله تعریف استاندارد مراقبت در خانواده کفیل، آموزش والدگری و سلامت روان برای قیم، پروتکل‌های غربالگری آسیب

آزمون و تربیت تا احراز رشد تأکید می‌کند (نساء/۶). تفاسیر معتبر این دلالت را به «حق برخورداری یتیم از مراقبت و احترام» و در نتیجه، شالوده حقوق غیرمالی او، آموزش باکیفیت، امنیت روانی و مصونیت از تحقیر، توسعه می‌دهند (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011).

آزمون الهی و مسئولیت جمعی

آیه "وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ (نساء: ۳۶) مسئولیت جمعی جامعه را در قبال یتیمان گوشزد می‌کند. عبارت "بذی القربی والیتامی" به صورت عطف بیان شده که نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی بین خویشاوندان و یتیمان در نظام اجتماعی اسلام است.

واژگان و گزاره‌های قرآنی در حوزه‌ی غیرمالی

«لا تقهر الیتیم»

آیه «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» با بیانی موجز و قاطع، هرگونه رفتار تحقیرآمیز و سلطه‌گرانه نسبت به یتیم را منع می‌کند؛ «تَقْهَرْ» در این سیاق مفهومی گسترده دارد و شامل توهین، تحقیر، سلب حقوق اجتماعی و عاطفی و حتی هر شکل اعمال سلطه ناروا می‌شود. هرچند خطاب نخستین آیه متوجه پیامبر(ص) است، اراده آن عام بوده و همه جامعه را مخاطب قرار می‌دهد؛ بدین معنا که «اکرام» و «پرهیز از قهر» نسبت به یتیم، تکلیف مثبت همگانی و بنیان تربیت اسلامی در عرصه حمایت غیرمالی است (ضحی/۹) (Barazesh, 2015).

«لا تکرمون الیتیم»

توییح بی‌اعتنایی نسبت به یتیم، یک «تکلیف مثبت» ایجاد می‌کند؛ صرف اجتناب از آزار کافی نیست، بلکه باید «اکرام» یعنی اقدامات مثبت حمایتی و محترمانه صورت گیرد. فراهم آوردن محیط امن، مراقبت دلسوزانه، فرصت‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی.

«یدع الیتیم»

در آیه «فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» (الماعون/۲)، فعل «يَدْعُ» —از ماده «دع» به معنای راندنِ خشن و دفع با تندی نشانِ طرد و تحقیرِ کودکِ بی‌پدر است، نه صرف بی‌اعتنایی لفظی؛ تصویری از کسی که یتیم را از درِ خود به زور دور می‌کند و از حقوق عاطفی و اجتماعی‌اش محروم می‌سازد (ابن‌منظور، لسان‌العرب؛ راغب اصفهانی، المفردات). سیاق سوره ماعون، این رفتار را نشانه «تکذیب دین/روز جزا» می‌داند و آن را در کنار بی‌تشویقی به اطعام مسکین، ریا در نماز و بُخل در «ماعون» (خیرات کوچک) می‌نشاند؛ بدین‌سان، قرآن طردِ یتیم را شاخصی از فروپاشی وجدان دینی و همبستگی اجتماعی معرفی می‌کند (الماعون/۱-۷؛ طباطبائی، المیزان؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه). از منظر روان‌شناختی نیز رانده‌شدنِ کودکِ یتیم خطرِ تشدید ناامنی، اضطراب و اختلالات رفتاری را در پی دارد و در سطح جامعه با افزایش آسیب‌های اجتماعی هم‌بستگی می‌یابد (Levy). برآیند این دلالت‌ها آن است که «يَدْعُ الْيَتِيمَ» نهی صریح از هر سازوکار فردی یا نهادی طرد و تحقیر است و مبنایی برای سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی؛ یعنی تضمین احترام، حمایت عاطفی و دسترسی بی‌تبعیض یتیمان به خدمات، به‌مثابه حق آنان و تکلیف جامعه (الماعون/۲؛ طباطبائی، المیزان؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه).

مبانی نظری و هنجاری حقوق غیرمالی

قاعده لطف

«قاعده لطف» در کلام اسلامی به هر اقدامی از سوی شارع حکیم گفته می‌شود که مکلف را بی‌آن‌که اختیارش سلب شود، به طاعت نزدیک و از معصیت دور کند؛ بر این مبنا، تشریع احکام و سازوکارهای حمایتی برای یتیمان —از منع آزار تا الزام کفالت و تربیت— مصداقی روشن از «لطف الهی» است، زیرا هم تقرّب اخلاقی جامعه را می‌افزاید و هم از انحطاط اخلاقی اجتماعی پیشگیری می‌کند. تحلیل عقلی قاعده نشان می‌دهد: ۱) انسان‌ها فطرتاً به حمایت از افراد آسیب‌پذیر میل دارند و قوام نظم اجتماعی

یتیم است و هم مبنای ضمانت‌اجراهای مدنی/کیفری و لزوم جبران و پیشگیری نظام‌مند.

منطق مصلحت و کرامت

با اتکاء به هنجار قرآنی کرامت انسان و تکلیف اکرام یتیم، هر سیاست یا رویه‌ای که به خوارداشت یتیم، انگ‌زنی یا محرومیت آموزشی بینجامد با اصل کرامت و «مصلحت طفل» ناسازگار است و باید الغا یا اصلاح شود؛ مستند به آیات «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰)، «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» (ضحی/۹)، «كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ» (فجر/۱۷)، «قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» درباره یتیمان (بقره/۲۲۰) و ضابطه «إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» در هرگونه تصرف (انعام/۱۵۲)؛ و تقویت‌شده در تفاسیر معتبر (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011). در حقوق عراق نیز این جهت‌گیری در قانون الأطفال (۲۰۲۰، ماده ۱۲)، دستور ۲۰۰۵ (ماده ۳۰)، سیاست آموزش رایگان تا دبیرستان (نظام تنمیه المراهقين، ۱۹۶۴) و مواد ۱۴۶-۱۴۸ قانون الأحوال الشخصية (۱۹۵۹/۱۸۸) که بر تقدم «مصلحت طفل» و حمایت غیرتبعیضی دلالت دارند، منعکس است.

حقوق غیرمالی یتیم: صورت‌بندی و الزامات اجرایی

حق بر تربیت و مراقبت عاطفی

یتیم نیازمند رابطه‌ی دلبستگی ایمن و مراقبت مستمر است؛ هنجار قرآنی کرامت و منع قهر، اکرام یتیم و «اصلاح» امور او را به تکلیف اجتماعی بدل می‌کند و بر تدبیر «الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» در همه تصمیم‌ها تأکید دارد (اسراء/۷۰؛ ضحی/۹؛ بقره/۲۲۰؛ انعام/۱۵۲). تفاسیر نیز این دلالت را به ضرورت مراقبت عاطفی و تربیتی توسعه می‌دهند (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011). در سطح اجرا، آموزش والدگری به قیم و خانواده کفیل، تدوین استانداردهای مراقبت و بازدیدهای دوره‌ای مددکاران باید الزام قانونی یابد؛ این مسیر در عراق با «قانون الأطفال» (۲۰۲۰، ماده ۱۲: خدمات مشاوره و حمایت روانی-اجتماعی) و نظارت

به همین همبستگی وابسته است؛ ۲) اگر قانون، این حمایت را به تکلیف الزام‌آور ارتقا ندهد، منافع شخصی می‌تواند جای همدلی را بگیرد؛ ۳) پس، جعل حکم حمایتی از سوی شارع، «لطف حکیمانه» و مقتضای تأمین مصلحت عمومی است (ابن‌سینا، همان، مقاله ۹). نمونه نقلی این منطق را می‌توان در سرگذشت مریم (س) دید که قرآن «كَفَّالَتِ زَكْرِيَّا(ع)» را به‌مثابه تدبیر الهی برای صیانت یک کودک بی‌پدر گزارش می‌کند؛ تدبیری که هم حمایت مادی و هم مراقبت تربیتی را دربرمی‌گیرد: «وَكَفَّلَهَا زَكْرِيَّا» (آل عمران/۳۷). بر پایه همین لطف، احکامی چون «إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» درباره ایتام (بقره/۲۲۰) جهت‌گیری نظام تشریع را به سوی تثبیت حقوق غیرمالی یتیم، اکرام، تربیت و امنیت روانی—و تبدیل آن به «تکلیف اجتماعی» روشن می‌کند.

قاعده حرمت اضرار

«لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» قاعده‌ای بنیادین در فقه است که هر نوع اضرار را—چه به‌صورت فعل و چه ترک فعل ممنوع می‌سازد؛ بر این مبنا، هر گونه آسیب‌رسانی به یتیم، از دست‌اندازی به مال و تضییع حقوق آموزشی تا آزار عاطفی و تحقیر شأن، شرعاً حرام است (Hurr Amili, 1989) (نیز بنگرید: الأنعام/۱۵۲ درباره‌ی «إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» در تصرف). تحلیل عقلی قاعده روشن می‌کند: یتیم به‌سبب فقدان سرپرست در معرض آسیب بیشتری است و اضرار به او—مانند تصرف ناروا در دارایی یا محروم‌کردن از تحصیل—به اختلال نظم اجتماعی و بروز ناهنجاری‌های آتی می‌انجامد؛ بنابراین عقل عملی حکم می‌کند هر نوع زیان‌رسانی ممنوع و جبران آن لازم باشد (Tusi). فقیهان این اصل را ذیل قاعده‌ی «جلب المصالح و دفع المفساد» نیز تقریر کرده‌اند: تشریع و اجرا باید به‌گونه‌ای باشد که مصلحت صیانت از یتیم تحصیل و مفساد مالی، تربیتی و روانی دفع شود (Mohaghegh Ardebili, 2000). برآیند نص و عقل آن است که قاعده حرمت اضرار، هم معیار منع رفتارهای زیان‌بار با

پیگیری فعال پرونده تا تثبیت وضعیت تأکید دارند (UNICEF, 2023).

۴-۵. مصونیت از آزار، تبعیض و انگ‌زنی

قرآن طرد و تحقیر یتیم را نشانه فروپاشی وجدان دینی می‌داند (ضحی/۹؛ الماعون/۲؛ فجر/۱۷) و قاعده «لا ضرر» هر آسیب مالی، تربیتی و عاطفی را ممنوع می‌شمارد (الحرّ العاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹). در عراق، برای تصرفات زیان‌بار نسبت به اموال محجور/یتیم ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است (قانون العقوبات، ۱۹۶۹/۱۱۱، ماده ۴۲۲) و دادگاه خانواده اختیار مداخله و عزل قیم متخلف را دارد (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، مواد ۱۴۶-۱۴۸؛ الموقع الرسمي لادیوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳). سازوکارهای گزارش‌دهی محرمانه، تیم‌های مداخله فوری و پیگیری قضایی باید به‌صراحت در آیین‌نامه‌ها درج و اجرایی شود تا تبعیض و انگ‌زنی مهار گردد.

حق بر مشارکت و شنیده‌شدن

اصل کرامت انسانی و رعایت «مصلحت طفل» اقتضا می‌کند که کودک در تصمیم‌های مؤثر بر زندگی‌اش—از برنامه تحصیلی تا محل سکونت و نوع مراقبت—به‌طور متناسب با سن و فهم، شنیده شود (اسراء/۷۰؛ بقره/۲۲۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰). این جهت‌گیری در سیاست‌های حمایتی عراق نیز قابل تقویت است: ارزیابی نیازهای فردی و مداخله چندرشته‌ای در «قانون الأطفال» (۲۰۲۰، ماده ۱۲) و تکلیف دولت به حمایت اجتماعی در «دستور ۲۰۰۵» (ماده ۳۰) چارچوب حقوقی لازم را فراهم می‌کند و اسناد ارزیابی بین‌المللی بر درج سازوکارهای مشارکت کودک تأکید دارند (UNICEF, 2023).

مسئولیت‌های اجتماعی: خانواده، جامعه و دولت

خانواده و قیم

خانواده و قیم نخستین حلقه حمایت‌اند؛ نصب قیم و نظارت بر او باید بر پایه معیارهای روشن انجام شود: ثبات روانی و توان

قضایی بر قیمومت (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، مواد ۱۴۶-۱۴۸) پشتیبانی می‌شود؛ رویه‌های قضایی، گزارش‌دهی و بازدید مددکاری را تقویت کرده‌اند (الموقع الرسمي لادیوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳). از منظر روان‌شناختی نیز آموزش والدگری و نظارت مستمر، شاخص‌هایی چون کیفیت تعامل، ثبات محیط زندگی و کاهش نشانه‌های اضطراب را بهبود می‌دهد (القائمی، ۲۰۰۱).

حق بر آموزش باکیفیت و بی‌تبعیض

عدالت آموزشی اقتضا می‌کند یتیم به آموزش رایگان، حمایت‌های جبرانی، امکانات یادگیری و مشاوره مدرسه دسترسی داشته باشد؛ قرآن ترک اکرام یتیم و سستی در «تحاض» بر اطعام و یاری نیازمند را نکوهش می‌کند و آن را ریشه در مال‌دوستی افراطی می‌داند (فجر/۱۷-۲۰؛ بقره/۲۲۰) (Tabataba'i, 2011). در عراق، سیاست آموزش رایگان تا دبیرستان سابقه‌ای مصوب دارد (نظام تنمية المراهقين، ۱۹۶۴) و حق حمایت‌های اجتماعی—آموزشی در قانون اساسی تصریح شده است (الدستور، ۲۰۰۵، ماده ۳۰). شواهد میدانی نیز ضرورت کلاس‌های جبرانی، بورسیه و مشاوره مدرسه را برای کودکان بی‌پشتوانه تأیید می‌کند (UNICEF, 2023).

حق بر سلامت جسم و روان

الزام «بألتی هی أحسن» در اداره امور یتیم و قاعده «إصلاح لهم خیر» ناظر به تدبیر سلامت جسمی و روانی او نیز هست (انعام/۱۵۲؛ بقره/۲۲۰) (Tabataba'i, 2011). بنابراین، بسته خدمات باید شامل سلامت اولیه، واکسیناسیون، پیش‌رشد، غربالگری سوءتغذیه، دسترسی واقعی به سلامت روان و درمان تروما باشد؛ «قانون الأطفال» عراق مشاوره روان‌شناختی رایگان را الزام کرده و «دستور ۲۰۰۵» دولت را مکلف به حمایت‌های اجتماعی کرده است (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، ماده ۱۲؛ الدستور، ۲۰۰۵، ماده ۳۰). گزارش‌های بین‌المللی نیز بر ارجاع سریع و

نظارت بر قیم و تقدم مصلحت طفل (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶-۱۴۸)، الزام به صیانت از اموال محجور/یتیم (القانون المدني، ۱۹۵۱، م ۱۰۱)، جرم‌انگاری تصرفات زیان‌بار نسبت به اموال محجور با ضمانت اجرای کیفری (قانون العقوبات العراقي، رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹، م ۴۲۲)، تضمین حمایت‌های اجتماعی و آموزشی (الدستور، ۲۰۰۵، م ۳۰؛ نظام تنمية المراهقين، ۱۹۶۴)، و خدمات حمایتی و روان‌شناختی کودک (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲). پس از ۲۰۰۳، گرایش به تقویت شبکه‌های حمایتی و برنامه‌های اجتماعی—از جمله در حوزه مسکن اجتماعی—افزایش یافته است (برنامهج الاسكان الوطني، ۲۰۱۸؛ الدستور، ۲۰۰۵، م ۳۰)، هرچند یکپارچگی رویه و پوشش خدمات در مناطق دورافتاده نیازمند ارتقا و هماهنگی نهادی بیشتر است (الموقع الرسمي لديوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳). نقاط قوت این منظومه، امکان مداخله قضایی برای حفاظت از کودک، وجود مسیرهای شکایت و بهره‌گیری از حمایت‌های معیشتی و تحصیلی است (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸؛ قانون الأطفال، ۲۰۲۰؛ الدستور، ۲۰۰۵)؛ در برابر، ضعف شاخص‌های استاندارد برای سنجش کیفیت مراقبت غیرمالي، کمبود خدمات سلامت روان تخصصی کودک و ناهماهنگی بین نهادهای متولی از چالش‌های اصلی به‌شمار می‌رود (UNICEF, 2023) (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲؛ قانون ديوان المحاسبات، ۲۰۱۱).

معماری حقوقی و نهادی چندلایه

الگوی پیشنهادی بر سه سطح استوار است: (۱) سطح کودک و خانواده/قیم: برای هر کودک «برنامه مراقبت فردی» شامل اهداف تربیتی—آموزشی، شاخص‌های سلامت جسم و روان و «پروتکل‌های پیشگیری از آزار» تدوین شود؛ پشتوانه حقوقی این سطح، تکلیف به اکرام و اصلاح حال یتیم در منبع شرعی و ترجمان نهادی آن در نصب و نظارت بر قیم است (بقره/۲۲۰؛ قانون الأحوال الشخصية للعراق، رقم ۱۸۸ لسنة ۱۹۵۹، م ۱۴۶-۱۴۸).

مراقبت، فقدان تعارض منافع، التزام به گزارش‌دهی ادواری و اخذ مجوز در تصرفات مهم. این الزامات در چارچوب نصب/عزل قیم، ارائه حساب و تقدم «مصلحت طفل» تصریح شده است (قانون الأحوال الشخصية للعراق، رقم ۱۸۸ لسنة ۱۹۵۹، م ۱۴۶-۱۴۸؛ القانون المدني العراقي، رقم ۴۰ لسنة ۱۹۵۱، م ۱۰۱؛ نیز: الموقع الرسمي لديوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳).

جامعه و نهادهای مدنی

سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و مساجد می‌توانند در شناسایی، پوشش خدمات، آموزش و پایش نقش مکمل ایفا کنند و با مدارس و مراکز سلامت هم‌افزایی داشته باشند. جهت‌گیری حقوقی کشور در حمایت اجتماعی از کودک، بستر این همکاری را فراهم می‌کند (الدستور العراقي، ۲۰۰۵، م ۳۰) و «قانون الأطفال» ارائه خدمات حمایتی/روان‌شناختی را الزام کرده است (قانون الأطفال للعراق، ۲۰۲۰، م ۱۲).

دولت و نهادهای عمومی

دولت عهده‌دار تقنین، تأمین مالی پایدار، استانداردگذاری، نظارت و تضمین دسترسی عادلانه است؛ تکلیف به حمایت اجتماعی و آموزشی از کودک در سطح اساسی تصریح شده (الدستور العراقي، ۲۰۰۵، م ۳۰)، آموزش رایگان تا پایان دبیرستان به‌عنوان سیاست مستقر آمده است (نظام تنمية المراهقين فی العراق، ۱۹۶۴)، و نظارت و پاسخ‌گویی مالی بر اجرای برنامه‌ها از مسیر دیوان محاسبات پشتیبانی می‌شود (قانون ديوان المحاسبات، رقم ۳۱ لسنة ۲۰۱۱). ایجاد «نظام اطلاعات یکپارچه پرونده یتیمان» و سازوکارهای پاسخ‌گویی عمومی نیز توصیه سیاستی مطابق همین چارچوب‌های نظارتی است (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲؛ قانون ديوان المحاسبات، ۲۰۱۱).

بازتاب در قوانین و سیاست‌های عراق

چارچوب حقوقی عراق مجموعه‌ای از قواعد خانواده، مدنی، کیفری، آموزش و حمایت اجتماعی را پوشش می‌دهد: نصب و

خدمات حمایتی و مشاوره روان‌شناختی برای کودک و خانواده کفیل باید به‌صورت الزام قانونی استمرار یابد (قانون الأطفال للعراق، ۲۰۲۰، م ۱۲). (۲) سطح محلی: تشکیل «تیم‌های مددکاری چندرشته‌ای» و هماهنگی مدرسه-مرکز سلامت-نهادهای مدنی همراه با «سامانه گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی سریع» ضرورت دارد؛ این سطح به اتکای تکلیف دولت به حمایت اجتماعی/آموزشی و سازوکار مداخله قضایی پشتیبانی می‌شود (الدستور العراقي، ۲۰۰۵، م ۳۰؛ قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶؛ الموقع الرسمي لديوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳). (۳) سطح ملی: تدوین «استانداردها و راهنماهای بالینی/تربیتی»، «تأمین مالی مبتنی بر عملکرد»، «سامانه داده یکپارچه پرونده‌های کودک» و «حسابرسی کیفی با انتشار گزارش‌های دوره‌ای» پیش‌بینی گردد؛ نقش تنظیم‌گری و حسابرسی کلان در چارچوب دیوان محاسبات تعریف می‌شود (قانون ديوان المحاسبات العراقي، رقم ۳۱ لسنة ۲۰۱۱؛ قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲).

سناریوهای اجرایی و شاخص‌های پایش

سناریو الف: کودک یتیم مدرسه‌گریز. مداخله: ارزیابی علل، کلاس‌های جبرانی، «توافق‌نامه آموزشی» با خانواده کفیل و پیگیری ماهانه. شاخص‌ها: حضور و پیشرفت تحصیلی، ثبات عاطفی، کاهش رفتارهای پرخطر. پشتوانه تقنینی و سیاستی: آموزش رایگان تا دبیرستان و تکلیف دولت به حمایت آموزشی/اجتماعی (نظام تنمية المراهقين في العراق، ۱۹۶۴؛ الدستور، ۲۰۰۵، م ۳۰) و امکان مداخله قضایی در صورت قصور قیم (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶).

سناریو ب: علائم آزار روانی در منزل. مداخله: گزارش محرمانه، بازدید خانگی، مشاوره خانواده، و در تداوم یا تشدید، اقدام قضایی و حمایت کیفری. شاخص‌ها: بهبود شاخص‌های رفاه روان، کاهش تنبیه بدنی/کلامی، رضایت کودک. مستندات: تکلیف به خدمات حمایتی-روانی (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲)، اختیار

مداخله دادگاه خانواده (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶) و ضمانت اجرای کیفری در تعرض به حقوق محجور (قانون العقوبات العراقي، رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹، م ۴۲۲).

سناریو پ: انتقال به مراقبت جایگزین. مداخله: غربالگری و آموزش خانواده کفیل، حمایت مالی «مشروط به کیفیت مراقبت»، ارزیابی سه‌ماهه چندرشته‌ای. شاخص‌ها: پیوستگی مراقبت، کیفیت تعامل، سلامت جسم و روان. مستندات: نصب/نظارت بر قیم و تقدم «مصلحت طفل» (قانون الأحوال الشخصية، ۱۹۵۹/۱۸۸، م ۱۴۶-۱۴۸)، خدمات حمایتی و پایش (قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲) (UNICEF, 2023).

چالش‌ها و خلأها

چالش‌های محوری عبارت‌اند از: ناهمگونی دسترسی به خدمات در مناطق دورافتاده و اقلیم‌ها، کمبود نیروی متخصص (روانشناس کودک، مددکار اجتماعی)، فقدان پروتکل‌های استاندارد برای سنجش رشد غیرمالی و کیفیت مراقبت، محدودیت منابع مالی پایدار، و ضعف در پایش و انتشار داده‌های باز برای پاسخ‌گویی عمومی. این موارد در ارزیابی‌های حمایتی کودک در عراق به‌عنوان ریسک‌های اجرایی گزارش شده و نیازمند تقویت هماهنگی نهادی، بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و حسابرسی کیفی است (UNICEF, 2023) (قانون ديوان المحاسبات، ۲۰۱۱؛ الدستور، ۲۰۰۵، م ۳۰؛ قانون الأطفال، ۲۰۲۰، م ۱۲؛ الموقع الرسمي لديوان القضاء العراقي، ۲۰۲۳).

پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی

برای گذار از حمایت‌های صرفاً مالی به مراقبت جامع، باید یک «راهنمای ملی مراقبت غیرمالی از یتیم» با استانداردهای تربیتی، عاطفی، آموزشی و سلامت روان تدوین و ملاک عمل نهادها شود؛ هم‌زمان «پروتکل غربالگری آسیب» در مدارس و مراکز سلامت برای شناسایی زود هنگام نشانه‌های آزار و غفلت استقرار یابد و «سامانه یکپارچه پرونده یتیم» با امکان گزارش‌دهی، ارجاع و

کمبود ظرفیت تخصصی (روانشناس کودک، مددکار اجتماعی) و ناهمگونی دسترسی و اجرا میان استان‌ها و اقلیم‌ها؛ در نتیجه، حمایت‌ها عملاً مالی محور شده و «رشد» بیشتر در چارچوب اموال فهم می‌شود تا صلاحیت چندبُعدی عاطفی-تربیتی.

مداخله مفهومی و کاربردی مقاله در دو سطح است: نخست، صورت‌بندی «حقوق غیرمالی» در چهار ساحت تربیت و پیوند عاطفی، آموزش باکیفیت و بی‌تبعیض، سلامت جسم و روان، و مصونیت از آزار/تبعیض؛ دوم، ارائه نقشه اجرایی برای حکمرانی این حقوق به صورت معماری سه‌سطحی (کودک/خانواده، سطح محلی، سطح ملی) همراه با بسته سیاستی شامل: راهنمای ملی مراقبت غیرمالی، پروتکل غربالگری مدرسه-سلامت، سامانه یکپارچه پرونده یتیم، آموزش والدگری و سلامت روان برای قیم/خانواده کفیل، تأمین مالی مبتنی بر عملکرد، گسترش شبکه سلامت روان کودک و پروتکل‌های درمان تروما، تقویت ضمانت‌اجراهای مدنی/کیفری در برابر آزار روانی و تبعیض، برنامه‌های ضد انگ‌زنی، و چارچوب نظارت شهروندی با انتشار گزارش‌های دوره‌ای. این بسته، نسبت متن دین با حقوق موضوعه را از سه مسیر هم‌راستا می‌کند: پیشگیری به جای صرف مجازات، شاخص‌محوری به جای کلی‌گویی، و پاسخ‌گویی بین‌نهادی به جای جزیره‌ای عمل کردن.

برای تحقق عملی این الگو، الزامات پیاده‌سازی روشن است: تثبیت نقش «قاضی خانواده» و تیم‌های مددکاری چندرشته‌ای در سطح محلی، تعریف خطوط بودجه پایدار و مشروط به نتایج کودک، توسعه نیروی انسانی تخصصی (با مسیرهای آموزش حین خدمت)، و حکمرانی داده با سامانه ملی پرونده یتیم و حسابرسی کیفی توسط دیوان محاسبات. در کنار این‌ها، مشروعیت فرهنگی-دینی مداخلات از رهگذر تبیین پیوند آنها با اصول قرآنی اکرام و منع قهر، هزینه اجتماعی تغییر را کاهش می‌دهد و پذیرش عمومی را می‌افزاید.

پیگیری بین‌نهادی راه‌اندازی شود. آموزش والدگری و سواد سلامت روان برای قیم‌ها و خانواده‌های کفیل به صورت بسته‌های مرحله‌ای ارائه گردد و تأمین مالی ارائه‌دهندگان خدمات بر پایه عملکرد و برحسب شاخص‌های کیفی و نتایج کودک تنظیم شود. شبکه خدمات سلامت روان کودک و تروما گسترش یابد و با پروتکل‌های درمان کوتاه‌مدت و بلندمدت و مسیر ارجاع مشخص پشتیبانی شود. ضمانت‌اجراهای کیفری و مدنی در قبال آزار روانی و تبعیض تقویت و دسترسی یتیم به حمایت حقوقی رایگان تضمین گردد. در سطح جامعه، برنامه‌های آگاهی‌بخشی مستمر برای کاهش انگ‌زنی و ترویج اکرام و مشارکت اجتماعی اجرا شود و در سطح حکمرانی، «چارچوب نظارت شهروندی» مستقر و گزارش‌های دوره‌ای کیفیت مراقبت در سطح استان و کشور منتشر گردد تا امکان پاسخ‌گویی و بهبود مستمر فراهم آید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که منطق هنجاری قرآن—بر مدار کرامت انسان (اسراء/۷۰) و نهی قهر و طرد یتیم (ضحی/۹؛ فجر/۱۷؛ الماعون/۲)—حقوق غیرمالی یتیم را به مثابه «حق» و نه صرفاً موضوع ترحم صورت‌بندی می‌کند و با قواعدی چون «لطف» و «لا ضرر»، تکلیف جامعه و حاکمیت را از سطح توصیه اخلاقی به سطح الزام نهادی ارتقا می‌دهد. در تطبیق با منظومه حقوقی عراق، یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند پس از ۲۰۰۳ بنیان‌های حقوقی حمایتی تقویت شده‌اند—از جمله تصریح به حمایت‌های اجتماعی در قانون اساسی (ماده ۳۰) و الزامات خدمات روانی-اجتماعی در «قانون الأطفال» (۲۰۲۰، ماده ۱۲) در کنار ظرفیت‌های نظارت قضایی بر قیمومت (قانون الأحوال الشخصية ۱۹۵۹/۱۸۸، مواد ۱۴۶-۱۴۸)—اما ترجمه این مبانی به استانداردهای سنجش‌پذیر تربیتی، عاطفی و روانی هنوز یک‌دست و فراگیر نیست. شکاف‌های اصلی در سه محور پدیدار شد: نبود پروتکل‌های ملی برای ارزیابی و پایش کیفیت مراقبت غیرمالی،

تنها راه هم‌ساز کردن منظومه حمایتی عراق با روح آیات و کرامت یتیم است. با اجرای گام‌به‌گام بسته سیاستی پیشنهادی و نهادهای سازِ معماری سه‌سطحی، می‌توان حقوق غیرمالی یتیم را از متن به میدان آورد، شکاف‌های اجرا را کاست، و سرمایه انسانی فردا را در پناه اکرام، تربیت و سلامت روان صیانت کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The issue of the non-pecuniary rights of orphans occupies a central position in Islamic normative thought and in contemporary legal systems concerned with human dignity, social responsibility, and child protection. The Qur'anic worldview does not reduce orphan protection to mere financial maintenance but conceptualizes it as a comprehensive moral, psychological, educational, and social obligation grounded in the inherent dignity of the human being (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011). Foundational verses such as "So as for the orphan, do not oppress him" (Qur'an 93:9), "No! But you do not honor the orphan" (Qur'an 89:17), and "They ask you about orphans; say: Reforming their condition is best" (Qur'an 2:220) establish a robust ethical-legal framework that mandates positive social conduct toward orphans, extending far beyond the protection of their property. Classical Islamic scholarship interprets these verses as creating binding social duties of emotional care, moral respect, and developmental support, rooted in the ontological principle of human dignity articulated in "We have indeed honored the children of Adam" (Qur'an 17:70) (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011). Linguistically and juristically, the concept of "orphan"

با وجود جامعیت تحلیل متنی و حقوقی، این مطالعه دو محدودیت دارد: اتکا به اسناد و رویه‌ها به جای داده‌های میدانی سراسری، و فقدان سنجش پیامدهای کودک-محور در مقیاس ملی. پژوهش‌های آتی می‌توانند با طرح‌های میدانی ترکیبی (پیمایش + کیفی)، آزمون میدانی پروتکل‌های غربالگری و مراقبت، تدوین و هنجاریابی شاخص‌های روان-اجتماعی، و مقایسه تطبیقی با کشورهای هم‌زمینه، مسیر استانداردگذاری و قانون‌گذاری را دقیق‌تر کنند.

جمع‌بندی آن‌که گذار از «خیریه» به «حق»، از «اختیار» به «استاندارد قابل اجرا»، و از «مجازات پسینی» به «پیشگیری و توانمندسازی»

(yatīm) refers to a child who has lost his father before reaching maturity, as emphasized in Arabic lexicography and Shi'i jurisprudence (Ibn Manzur, 1994; Najafi, 1984). This definition shapes the scope of protection, since paternal loss in pre-modern societies entailed heightened vulnerability. Contemporary Iraqi law, operating within a hybrid system of Islamic jurisprudence and modern statutory regulation, has incorporated many of these principles, particularly following 2003, through legislative and policy reforms aimed at enhancing child welfare and social protection. Yet the degree to which Iraqi law effectively translates Qur'anic ethical imperatives concerning non-pecuniary rights into concrete, standardized mechanisms remains a critical question.

The anthropological foundation of orphan protection in Islam rests on three interrelated normative pillars: the inherent dignity of the human person, the prohibition of harm, and the obligation of benevolence. The doctrine of human dignity establishes the orphan not as an object of charity but as a rights-bearing subject whose psychological security, emotional well-being, and moral development must be safeguarded (Tabataba'i, 2011). This principle is operationalized through the jurisprudential Rule of Benevolence (Qā'idat

al-Luṭf), which obliges the legal system to adopt measures that facilitate moral growth and prevent social harm without negating human agency (Tusi). Complementing this is the Rule of Prohibition of Harm (Qā'idat Ḥurmat al-Idrār), derived from the prophetic maxim "There is no harm and no reciprocating harm in Islam," which establishes a general legal prohibition against all forms of injury, whether physical, psychological, or social (Hurr Amili, 1989; Mohaghegh Ardebili, 2000). Together, these principles construct a comprehensive non-pecuniary rights regime encompassing emotional security, education, mental health, social inclusion, and protection from humiliation, coercion, and exclusion. Qur'anic language reinforces this regime through the prohibition of qahr (oppression) and da' (violent repulsion) of orphans, acts interpreted by exegetes as encompassing all forms of psychological and social maltreatment (Barazesh, 2015). Empirical psychological literature further supports the gravity of such harm, linking childhood emotional neglect and rejection to long-term developmental and behavioral disorders (Levy). Thus, Islamic legal anthropology converges with modern developmental science in recognizing non-pecuniary harm as a central domain of legal responsibility.

Iraqi legislation reflects significant elements of this normative framework. The Iraqi Personal Status Law No. 188 of 1959 mandates that guardianship and custody decisions prioritize the best interests of the child, empowering courts to intervene when a guardian fails to provide proper moral or emotional care. Articles 146–148 establish judicial oversight mechanisms that allow for the removal of negligent or abusive guardians. The Child Law of 2020 explicitly recognizes the child's right to psychological and social support, obliging state institutions to provide counseling services and protective interventions. Article 30 of the Iraqi Constitution of 2005 enshrines

the state's duty to guarantee social security and basic services for children, including orphans, while earlier policies such as the 1964 Adolescent Development Regulation institutionalized free education through secondary school. Criminal protections further reinforce these rights: Article 422 of the Iraqi Penal Code criminalizes exploitation or misappropriation of the property of minors and wards, reflecting the broader prohibition of harm (Hurr Amili, 1989). Despite these normative commitments, implementation challenges persist. Unequal access to services, limited availability of specialized mental-health professionals, and weak inter-institutional coordination undermine the full realization of non-pecuniary protections, particularly in conflict-affected regions. International assessments confirm these gaps, highlighting deficiencies in standardized psychosocial services, inconsistent case monitoring, and insufficient data systems for child protection (UNICEF, 2023).

The findings of this study underscore the need for a multi-layered operational framework to bridge normative commitments and social realities. At the family and guardian level, mandatory parental education programs and psychological support services should be institutionalized to enhance caregivers' capacity to meet orphans' emotional and developmental needs, consistent with Qur'anic mandates of ihsān (beneficence) and iṣlāḥ (reform) (Tabataba'i, 2011). At the community level, integrated service teams—comprising educators, social workers, health professionals, and legal officers—should conduct regular welfare assessments, ensuring early detection of neglect, abuse, or psychological distress, thereby operationalizing the Rule of Prohibition of Harm (Hurr Amili, 1989). At the national level, standardized indicators for "non-pecuniary development" must be adopted, covering emotional stability, educational progress,

mental health, and social integration. These indicators would provide measurable benchmarks for accountability and guide resource allocation. An integrated case-management and reporting system is essential to facilitate inter-agency coordination and ensure continuity of care. Comparative international experience and empirical child-welfare research strongly support such integrated models, demonstrating their effectiveness in preventing long-term social harm and promoting sustainable child development (UNICEF, 2023).

While Iraqi law exhibits substantial convergence with Qur'anic principles regarding orphan protection, its effectiveness remains constrained by systemic obstacles. The absence of standardized care protocols results in fragmented service delivery, leaving critical aspects of non-pecuniary well-being—particularly mental health—largely unaddressed. Regional disparities further exacerbate vulnerabilities, as rural and post-conflict areas suffer from acute shortages of trained professionals and institutional resources. Moreover, the prevailing administrative culture remains predominantly financial in orientation, focusing on material assistance while undervaluing emotional and psychological development. This imbalance contradicts both the Qur'anic conception of holistic human dignity and the jurisprudential obligation of benevolence (Makarem Shirazi, 1995; Tabataba'i, 2011). Without comprehensive reform, the legal promise of non-pecuniary rights risks devolving into symbolic protection rather than substantive social transformation. International monitoring organizations emphasize that sustainable reform requires institutional capacity-building, specialized training for child-protection professionals, and data-driven accountability mechanisms (UNICEF, 2023). These measures are indispensable for

aligning Iraqi practice with the moral and legal architecture articulated in Islamic sources.

This study demonstrates that the non-pecuniary rights of orphans constitute a foundational dimension of Islamic legal anthropology and contemporary Iraqi child-protection law. The Qur'anic framework establishes a comprehensive model of social responsibility grounded in human dignity, moral respect, and developmental justice. Iraqi legislation has incorporated many of these principles, yet their realization remains hindered by structural, institutional, and cultural limitations. Achieving genuine alignment between law and lived reality requires a paradigmatic shift from fragmented, finance-centered interventions toward an integrated system of emotional, psychological, educational, and social care. Only through systematic standardization, specialized capacity-building, and the institutionalization of accountability mechanisms can Iraqi society fully honor both the spirit of the Qur'anic mandate and the universal ethical demand to protect the most vulnerable members of the community.

References

- Barazesh, A. (2015). *Tafsir Ahl al-Bayt (AS)*. Amirkabir Publications.
- Hurr Amili, M. H. (1989). *Wasa'il al-Shia*. Al-Albayt Institute.
- Ibn Manzur, M. M. (1994). *Lisan al-Arab*. Dar Sader.
- Levy, A. *The Orphaned Adult: Understanding and Coping with Grief and Change After the Death of Our Parents*.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Mohaghegh Ardebili, A. M. (2000). *Majma' al-Fa'idah*. Islamic Publications Office.
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Tabataba'i, S. M. H. (2011). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Islamic Publications Office.
- Tusi, M. *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah*. Al-Maktabah al-Mortadawiyah.
- UNICEF. (2023). *Child Protection in Iraq*.